

یک پیشنهاد پژوهشی

دلیل اینکه نام خوزستان روزگاری «عیلام» بوده چیست؟

امام شوشتری

گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگ و هنر ایران را چنانکه بوده است برایمان روشن کند، پیشنهاد میکنم مجله «هنر و مردم» جستجو درباره ریشه و بن این نامها را یکان یکان در ترازوی جستجو و پژوهش نهاد و از دانشمندان تاریخ و زبان‌شناس خواهش کند در این پژوهشها شرکت کنند و هر کدام نتیجه کار و پژوهش خود را بشکل گفتاری بنویسند و برای چاپ در مجله بفرستند.

بنظر میرسد اگر این پژوهشها بشکل مسابقه درآید باز بهتر خواهد بود.

باری هر چند از هم‌اکنون نمیتوان گفت و نباید گفت: برخی از این نامها پایه علمی درستی ندارد و اینگونه نامها را در نخست یکی به سلیقه خود نهاده و بکار برده است سپس دیگران آنرا تکرار کرده‌اند و از بس تکرار شده، راست‌نما گردیده است، با اینحال ما حق داریم درباره هر يك از زمینه‌های تاریخی از نو جستجو کنیم و دلیل‌ها و سند‌های هر سخن را از دیدگاه منطقی علمی در ترازوی پژوهش گذاریم و ببینیم آیا فلان نام که امروز بنیاد بسیاری از داوری‌های تاریخی گرفته میشود، خود راست و درست است و پایه و بنی دارد یا برابر مثل رایج میان فارسی‌زبانان خود آن پا در هوا است.

در قانون‌های دادرسی همه کشورها از جمله آئین دادرسی مدنی ایران اصل مسلمی هست بدین گونه: هر يك از دوسوی دعوا حق دارند دیدن و بررسی کردن اصل سندی را از سوی دیگر دعوا بخواهند تا در پیشگاه دادگاه آنرا بررسی کنند هر چند دارند آن سند رونوشت گواهی شده رسمی آن سند را پیش از تاریخ بدادگاه داده و در دسترس سوی دیگر دعوا نهاده باشد.

این نکته یکی از حقوق مسلم هر يك از اصحاب دعواست

کسانی که سروکار با کتاب دارند میدانند که در پنجساله اخیر از راه نوشته‌های فرنگی در کتابها و روزنامه‌ها و مجله‌ها، نامهایی راه یافته است که از بس در سخنرانیها دهان به دهان و در نوشته‌ها خانه بخانه تکرار گردیده است، مردم آن نامها را صددرصد درست و راست می‌پندارند و هیچکدام از پژوهندگان، گوئی بخود حق نمیدهند درباره یکی از این نامها و ریشه و بن تاریخی آن جست‌وجویی کند و آن نامها از بس تکرار شده‌اند چنان راست‌نما گردیده‌اند که در نظر هیچکس خرده‌پذیر نمی‌آیند و شك بردار جلوه نمی‌کنند.

تا آنجا که میدانیم، روزی که این نامها در نخستین بار، بکتابهای ما راه یافته است، نیز چنین جست‌وجویی نشده و هیچکس در پی این کار بر نمیآمده است که ببیند آیا فلان نام که می‌گویند در زمانی نام فلان تیکه از کشور ما بوده و بکار می‌رفته است، ریشه و بنی دارد یا از زده نامهایی است که کسانی نهاده‌اند و ریشه و بن درستی ندارد.

افسوس که گروهی از ما بنام اینکه فلان نویسنده فرنگی در نوشته‌هایش چنین نامی را بکار برده است، دیگر در پی شناختن ریشه و بن آن نام و درستی یا نادرستی آن بر نیامده‌ایم و بی‌جستجو و پژوهش چندان اینگونه نامها را تکرار کرده و رواج داده‌ایم که بسیاری از آنها در کتابهای دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی ما، در سیمای سخنان مسلم و ثابت شده و خرده‌ناپذیر درآمده است و از بس در پنج‌ساله اخیر آنها را تکرار کرده‌اند، همه راست‌نما شده و دیگر کسی حتی از گروه پژوهندگان بر آن نمی‌شود جستجو کند و ببیند: از اینگونه نامها کدام درست است و دارای ریشه و بن تاریخی است و کدام نادرست و نامی من‌درآورده است که برخی بر پایه غرضهای بازرگانی و کیشی یا سیاسی نهاده و رواج داده‌اند.

چون درست بودن یا نادرست بودن بسیاری از این نامها در شناختن گذرگاه راستین فرهنگ آدمیان اثر بسیار دارد، بویژه شناختن ریشه و بن بسیاری از این نامها، می‌تواند

۱ - «تلك اسماء سمیتوها انتم و آباءکم ما نزل الله بهامن سلطان»
قرآن مجید.

واگر سوئی که رونوشت سندی را بدادگاه داده از نشان دادن اصل آن سند در مدتی که دادگاه معین میکند شانه خالی کرد، دیگر آن سند از رده دلیلهای بیرون است و دادگاه نمیتواند بر آن بنگرد.

بیگمان در زمینه جستجوها و داوریهای تاریخی منطق علمی حکم میکند که چنین حقی برای هر جستجو کننده و پژوهنده نیز هست و هر جوینده‌ای حق دارد پرسد: بچه دلیل فلان بخش از فلان کشور در فلان زمان دارای فلان نام بوده است؟ سند چنین گفته‌ای چیست؟ اصل آن سند کجاست و در اختیار کیست؟ سند مربوط به چه زمانی است؟ کی آنرا ترجمه کرده و کی و کجا ترجمه شده است؟ و چگونه میتوان آنرا دید؟

روشن نشدن هر يك از این نکته‌ها سبب میشود که پژوهنده درباره ادعائی که شده است دچار شك شود و درستی ادعا را نپذیرد.

نکته‌ای که گفتم حق مسلم هر پژوهنده در تاریخ است از هر ملتی که باشد. حقی که منطبق به شیوه علمی است برای هر يك از پژوهندگان تاریخ، بی‌در نظر گرفتن رنگ و دین و نژاد. بویژه که چنین حقی برای کسانی که موضوع جستجوی تاریخی پیوستگی به میهن ایشان نیز دارا باشد، در چنین صورتی این حق گیراتر و برنده‌تر و بهره‌گیری از آن بایاتر خواهد بود.

چون همانگونه که در سخنان گذشته نوشتیم روشن شدن پایه تاریخی بسیاری از این نامها در شناختن گذرگاه تاریخ فرهنگ ایران اثر فراوانی دارد، از اینرو بنظر میرسد پژوهندگان ایرانی بیش از هر کس دارای چنین حقی اند و باید در جستجوهای تاریخی خود از آن بهره‌گیری کنند تا سخنان و نوشته‌های ایشان بر منطق علمی استوار گردد نه تکراری از آنکه دیگرانی گفته و نوشته‌اند.

بهره‌گیری از این حق مسلم یکی از پایه‌های نخستین پژوهش علمی در فن تاریخ است و اگر بر آن شده‌ایم پژوهش‌های خود را از شیوه داستان‌نویسی بالاتر بریم و دارای آب و رنگ علمی سازیم، باید در آنچه گفتم بسیار پافشارتر و سختگیر نیز باشیم.

بر پایه این نظر است که پیشنهاد میکنم مجله - هنرو مردم - هر چند گاه یکی از این نامها را میان دانشمندان به مسابقه گذارد. هم‌اکنون برای گشودن در چنین پژوهشی، پیشنهاد میکنم نخست درباره پیشینه نام «عیلام» که گاهی آنرا بشکل «ایلام» می‌نویسند چنین جستجویی انجام گیرد. می‌گویند: روزگاری واژه «عیلام» نام خوزستان بوده است ولی دلیل این سخن چیست؟ بهتر است برای یافتن

پاسخ این پرسش جستجویی گردد تا دانسته شود آیا برای اثبات سخنی که گفته شده باینکه روزگاری نام خوزستان «عیلام» بوده است دلیل علمی خردپذیری وجود دارد یا نه؟ اجازه دهید برای روشن شدن راه پژوهندگانی که در

زمینه نام «عیلام» به جستجو خواهند پرداخت بیافزایم:

۱ - ادعا شده است که واژه «عیلام» نام خوزستان بوده است پیش از آغاز شدن شاهنشاهی ایران، حتی گفته‌اند که این نام در روزگار شاهنشاهی هخامنشیان نیز رواج داشته و شناخته بوده است.

پس برای ثابت کردن این دعوا باید سندی از آن زمان نشان داده شود که نشان دهند آن سند چگونه بدست آمده و بچه زبانی و بچه خطی نوشته بوده و کدام دانشمند آن خطرا خوانده و ترجمه کرده است. هم‌اکنون آن سند کجاست. و اگر پژوهنده دیگری بر پایه اصل حق مسلم درخواست دیدن «اصول اسناد» بخواهد آن سند را ببیند به کجا باید رجوع کند؟

۲ - باید از تکرار سخنان نویسندگان سده‌های اخیر بعنوان دلیل که هر کدام در نوشته‌های خود این نام را بی‌یاد کردن دلیل آن باز گفته‌اند و سندی برای اثبات نظر خود که دارای ویژگیهای گفته شده در بند یکم این پیشنهاد باشد نشان نداده‌اند، خودداری گردد.

زیرا منطق علمی «غیب‌دانی» از هیچکس را هر چند بزرگترین دانشمندان باشد نمی‌پذیرد و ادعای بی‌دلیل را از هر که اقامه شود بدور می‌اندازد.

نه تنها امروز که روزگار دانش و فرهنگ است، منطق علمی چنین اقتضائی دارد، در روزگاران پیش نیز این‌گونه سخنان را داستان‌سرائی و افسانه‌گوئی می‌شمردند و هوشمندان برای آنها ارزش علمی نمی‌شناخته‌اند.

از اینجاست که می‌بینید حتی در کتابهای سده‌های میانه، زمانی که دانشمندان بزرگ گفته‌های کسانی مانند هشام کلبی و مانندگان او را در باره زندگی پیغمبران بنی‌اسرائیل نقل میکنند، همه‌جا مطلب را با سخنانی مانند «یقال - گفته شده» و «زعموا - پنداشته‌اند» و مانند اینها می‌آورند تا مبادا خواننده کتاب ایشان به پندارد نویسنده کتاب به آنچه از زبان هشام کلبی و دیگر قصه‌گویان مانند او آورده است آنها را درست می‌شمارد.

آنچه تا اینجا گفته شد پیشنهادی است برای يك پژوهش علمی از دیدگاه منطق علمی. و جا دارد در باره بسیاری از نامهایی که در تاریخ ایران مشهور گردیده است چنین جستجوی بیطرفانه‌ای انجام گیرد تا درست از نادرست و سره از ناسره شناخته گردد.